

## بررسی شیوه‌های ترویج فرهنگ و تفکر بسیجی<sup>۱</sup>

نویسنده: احمد کارگر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۸/۸

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۰ پاییز ۱۳۸۷

### چکیده

هدف از اجرای این تحقیق، بررسی شیوه‌های اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج در بین دانش آموزان است. جامعه آماری تحقیق را دانش آموزان بسیجی و غیر بسیجی مدارس راهنمایی و دبیرستانهای سراسر کشور تشکیل داده‌اند. تحقیق به روش پیمایش (survey) و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و اجرا شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از بسته نرم افزاری spss صورت گرفته است. قابلیت اعتماد (reliability) پژوهش با استفاده از آماره آلفای کرونباخ و اعتبار (validity) با به کارگیری روشهای متداول آماری ودقت در نمونه گیری به شیوه علمی، مصاحبه با خبرگان و استفاده از آماره تحلیل عاملی (factor analysis) محاسبه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای نگرش خانواده، فرهنگ جامعه، گروه دوستان، مدرسه، جنس، مقطع تحصیلی و نوع عضویت در بسیج، با شیوه‌های اشاعه رابطه معنادار دارند. مهم‌ترین متغیر تأثیر گذار بر شیوه‌های اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج، فرهنگ جامعه و پس از آن به ترتیب: متغیرهای گروه دوستان، خانواده، مدرسه و متغیرهای پیشینه‌ای مقطع تحصیلی و عضویت بوده است.

### واژگان کلیدی:

فرهنگ، تفکر، اشاعه، فرهنگ و تفکر بسیجی.

۱. مقاله حاضر بر گرفته از طرح تحقیقاتی است که در پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج به اجرا در آمده است.  
۲. دانشجوی دکتری سنجش افکار.

## مقدمه

هر جامعه، گروه یا تشکلی برای بقا و دوام خود ناچار است زیرساختهای فکری و فرهنگی خود را به نسل جدید انتقال دهد. اگر جامعه‌ای نتواند میراث فرهنگی و اجتماعی گذشته خود را به نسل جدید انتقال دهد و در این امر به موقع و درست عمل نکند، دچار گسست نسلی خواهد شد. تحولات فرهنگی جهان معاصر شیوه‌های سنتی اشاعه و ترویج را با چالش روبه رو کرده است. این تحقیق در پی آن است که در یابد با کدام شیوه‌ها به شکل بهتری می‌توان تفکر و فرهنگ بسیج را در بین دانش آموزان رواج داد. ترویج و اشاعه فرهنگ به دو شکل صورت می‌پذیرد؛ یک شکل آن، بدون برنامه ریزی قبلی و به صورت ناخودآگاه و خود به خودی و شکل دیگر آن، اشاعه آگاهانه، با برنامه‌ریزی، معطوف به هدف و به منظور ایجاد تغییر در دیگران است. این تحقیق بیشتر به شکل دوم خواهد پرداخت.

هدف اصلی تحقیق، دستیابی به شیوه‌ها و راههای ترویج فرهنگ و تفکر بسیج در بین دانش آموزان است. متغیر وابسته در این تحقیق، شیوه‌های اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج است. متغیرهای مستقل تحقیق نیز عبارتند از: متغیر مستقل خانواده و اقوام، متغیر گروه دوستان، متغیر مدرسه و همکلاسی‌ها، متغیر فرهنگ جامعه. همچنین متغیرهای پیشینه‌ای شامل جنس، سن، مقطع تحصیلی، عضویت یا عدم عضویت در بسیج، نوع عضویت در بسیج و تحصیلات والدین نیز به منظور سنجش روابط، مورد استفاده قرار گرفته است. تحقیق از نوع اکتشافی و به روش پیمایشی (Survey) انجام گرفته است. بخش نظری به روش کتابخانه‌ای و اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش، دانش آموزان شاغل به تحصیل در دو مقطع راهنمایی و متوسطه مدارس کشور (بسیجی و غیر بسیجی) است.

حجم نمونه، ۱۵۰۰ نفر از دانش آموزان و روش انتخاب نمونه آماری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است.

براساس مبانی نظری و مصاحبه‌های صورت گرفته، گویه‌های مربوط به متغیر وابسته

استخراج و در مرحله آزمایشی اصلاح و بهینه سازی شدند. گویه‌ها با استفاده از آماره تحلیل عاملی به منظور تعیین عوامل زیربنایی مورد واریسی قرار گرفتند که در نهایت، این شیوه‌ها در چهارعامل معنا گرفتند و تحت عناوین: ۱. شیوه اشاعه عقلانی (منطقی - استدلالی)؛ ۲. شیوه اشاعه اخلاقی - فرهنگی؛ ۳. شیوه اشاعه انگیزشی؛ ۴. شیوه اشاعه اقتداری، نامگذاری شدند. همچنین با استفاده از مصاحبه‌ها و تقویم اجرایی سازمان بسیج دانش آموزی، برنامه‌هایی که نیروی مقاومت بسیج برای اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج از آنها بهره می‌گیرد، با توجه به سنخیت آنها به پنج دسته تقسیم شدند، که عبارتند از: ۱. برنامه‌های علمی؛ ۲. برنامه‌های تفریحی - سیاحتی؛ ۳. برنامه‌های ورزشی؛ ۴. برنامه‌های نظامی؛ ۵. برنامه‌های عقیدتی - سیاسی.

### مروری بر ادبیات تحقیق

انسانها در جریان زندگی روزمره خود به افزودن سطح مهارت‌ها و دانش خود پرداخته و انباشت مناسبی از دانش را برای تبیین پدیده‌های اطراف خود ایجاد کرده‌اند. لذا در هر حیطه‌ای از دانش به فراخور آن، نظریات متعددی طرح شده است. در این تحقیق، نظریات تبیین کننده ترویج و اشاعه، شامل نظریه‌های تربیتی و روانشناسی، تعلیم و تربیت اسلامی و تئوری‌های ارتباطات اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

طرفداران هر یک از مکاتب روانشناسی و تربیتی از زاویه دید خود به بحث اشاعه و یادگیری پرداخته و منبع یادگیری را تبیین کرده‌اند. رفتارگرایان، تجربه را تنها منبع دانش‌اندوزی و یادگیری می‌دانند و معتقدند اندیشه‌ها از تجربه‌های حسی مایه می‌گیرند. شناخت گرایان، منبع اصلی دانش و یادگیری را عقل یا خرد می‌دانند. (ر.ک. به: سیف، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳-۲۰۳) نظریه یادگیری اجتماعی بر یادگیری از طریق مشاهده و نیز تأکید بر اینکه تکنولوژی تغییر رفتار، علاوه بر تغییر رفتار آشکار، به تغییر اندیشه‌ها و اعتقادات طی مراحل توجه، یاد سپاری، بازآفرینی و انگیزش تأکید دارد. (الری و ویلسون، ۱۹۷۵، ترجمه سیف و فیض، ۱۳۶۵، ص ۵۰)

نظریه شرطی سازی بر جانشین کردن محرک شرطی با محرک غیر شرطی با استفاده از تشویق مناسب تأکید دارد. (سیف، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱)

نظریه برانگیختگی بر این نکته تأکید دارد که برای هر فعالیت معین جاندار، سطحی از برانگیختگی وجود دارد که در آن سطح (سطح بهینه) عملکرد به بهترین وجهی انجام می‌گیرد. نظریات انگیزشی نیز بر تقویت کننده‌های نخستین، تقویت کننده‌های شرطی، تقویت کننده‌های شخصی، استفاده از ایجاد علاقه، تشویق‌های کلاسی، ارائه تدریجی و از ساده به دشوار، کاهش پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان و ارائه مطالب به صورت معنی‌دار، تأکید دارند.

نظریه اسناد بر اصلاح اسنادهای علی به منظور عملکرد بهتر در یادگیری و تلاش در آینده تأکید دارد.

نظریه گشتالت بر یادگیری حاصل از درک موقعیت یادگیری به عنوان یک کل یکپارچه از طریق درک و کشف روابط اجزای موقعیت یادگیری تأکید دارد. نظریه یادگیری معنی دار کلامی بر ایجاد رابطه بین مطلب تازه و مطالب قبلی (ارتباط بین مطلب جدید و ساخت شناختی) تأکید دارد. (ر.ک. به: همان، ص ۳۷۸-۳۳۶)

ابن خلدون، امام محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی از مهم‌ترین اندیشمندان اسلامی به شمار می‌روند که در زمینه یادگیری و اشاعه، نظریاتی را ارائه کرده‌اند. ابن خلدون استفاده از تشویق و تنبیه و پرهیز از کاربرد زور و تهدید در یادگیری، استفاده از روش عقلانی (پرهیز از خرافات و اتکا بر استدلال و تفکر)، به کارگیری روش تدریجی (ارائه تدریجی مطالب یادگیری از امور حسّی به امور انتزاعی) و روش محاوره و مناظره را در یادگیری بهتر مؤثر می‌داند. (حق گو، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸) امام محمد غزالی معتقد است سعادت و مقتضی طبع بودن هر چیز که آن را برای آن آفریده‌اند، در یادگیری بهتر مؤثر است. (به نقل از: همان) خواجه نصیرالدین طوسی بر عقلانیت، وجود شرایط مناسب اجتماعی، نقش الگوهای پسندیده، تعمیق یادگیری در لایه‌های زیرین شخصیت، به کارگیری طیفی از روشهای رسیدن به آگاهی (انعطاف پذیر بودن)، ملازم بودن علم و

عمل در یادگیری و اشاعه، مرحله‌ای بودن تربیت و یادگیری، فنون کلامی، روش برانگیختن تفکر و خلاقیت، مشارکت و یگانگی ادراکی و حسّی و عاطفی با موضوع مورد مطالعه و تأثیر آن بر یادگیری تأکید می‌کند. (همان)

## یافته‌های تحقیق

### الف) نتایج و یافته‌های توصیفی

دانش آموزان به ترتیب، شیوه‌ها و برنامه‌های اشاعه را ارزیابی کرده‌اند، که در این ارزیابی‌ها، برنامه‌های علمی، بالاترین و پس از آن به ترتیب: شیوه اشاعه استدلالی، شیوه اشاعه انگیزشی، برنامه‌های سیاحتی - زیارتی، برنامه‌های ورزشی، شیوه اشاعه اخلاقی - فرهنگی، برنامه‌های نظامی، برنامه‌های عقیدتی - سیاسی قرار گرفته و در نهایت، شیوه اشاعه اقتدار، پایین‌ترین رتبه را اخذ کرده‌اند. تأثیر زیاد برنامه‌های علمی در اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج، با توجه به شرایط سنّی (نوجوانی و جوانی) و وضعیت تحصیلی دانش آموزان (مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان) و تحت تأثیر این دو پارامتر، قابل توجیه است. در مورد این نتایج چند نکته قابل توجه است؛ نخست اینکه نتایج، نمایانگر رتبه بالاتر شیوه اشاعه استدلالی - منطقی است و این نشان از عقلانیت دانش آموزان دارد. ارزیابی پایین دانش آموزان از شیوه اشاعه اقتدار هم گویای این مطلب است. دوم اینکه، دانش آموزان در سنین جوانی و استقلال شخصیتی قرار دارند و بایست از شیوه‌های اقتدار به منظور اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج پرهیز کرد.

رتبه پایین برنامه‌های عقیدتی - سیاسی می‌تواند دو دلیل توجیهی داشته باشد؛ اول اینکه، روشها و محتوای این برنامه‌ها جذاب نیستند یا تکراری هستند و دوم اینکه، در اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج به این شیوه، بایست به صورت غیر مستقیم عمل کرد. ابزارهای مورد استفاده در امر اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج نیز یکی از محورهای است که در تحقیق به آن پرداخته شد.

نتایج نشان می‌دهد که تلویزیون بیشترین تأثیر را در اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج در

بین دانش آموزان دارد و پس از آن به ترتیب: مروّجین فرهنگ و تفکر بسیج (به طور عام اعضای بسیج، سپاه و...)، مربیان تربیتی مدارس، تکنولوژی‌های جدید، سینما، مطبوعات، هنرمندان، رادیو، نویسندگان رمان و داستان قرار دارند. در این بین، رادیو و نویسندگان رمان و داستان، کمترین تأثیر را در اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج داشته‌اند.

### ب) نتایج و یافته‌های تحلیلی

با توجه به نتایج رگرسیون چند متغیره، میزان اهمیت متغیرهای تأثیر گذار بر شیوه‌های اشاعه و برنامه‌های اجرایی بسیج را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد.

مهم‌ترین متغیر تأثیر گذار، فرهنگ جامعه بوده است. تأثیر فرهنگ جامعه بر شیوه‌های اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج و در کلیت آن بر تمامی امور یک کشور، اجتناب ناپذیر است. اولین بار «ماکس وبر» بود که تأثیر دین و فرهنگ را بر تمامی شئون جامعه به اثبات رساند. پس از او برجسته‌ترین محقق که تأثیر اخلاق و فرهنگ را بر رفتار افراد جامعه ثابت کرد، «دیوید مک کلان» بود. در جنگ تحمیلی روحیات و فرهنگی تجلی پیدا کرد که به فرهنگ و تفکر بسیج معروف شد. افرادی که در این فرهنگ پرورش یافته بودند، بدون محدودیت کار می‌کردند، ساده زیست بودند، توقعات مادی کمی داشتند و در پی کسب جایگاه نبودند و برای حفظ دین و میهن از جان و هستی خود می‌گذشتند. این روحیات بیشتر از هر احساس دیگری، از دین مبین اسلام نشئت می‌گرفت. دستاوردهای کنونی جامعه، ناشی از آن روحیه و آن نوع از عمل بود. هر قدر فرهنگ جامعه بیشتر پذیرای این نوع از فرهنگ (فرهنگ و تفکر بسیجی) باشد، اشاعه این فرهنگ در آن آسان‌تر صورت می‌گیرد.

پس از متغیر فرهنگ جامعه، متغیر دوستان بیشترین تبیین‌کننده تغییرات متغیر وابسته بوده است این نتیجه نیز با نظریات علمی همخوان است. در سنین نوجوانی و جوانی تأثیر دوستان بر فرد بیشتر از تأثیر والدین است (بر عکس زمان کودکی). لذا اهمیت تأثیر گروه دوستان بر دانش آموزان بسیار زیاد است. فرد در این مرحله کاملاً تحت تأثیر گروه

دوستان است و منشأ و مبدء اسناد برای او گروه دوستان است. هر چه فرهنگ و تفکر بسیج توانسته باشد در گروه دوستان فرد نفوذ بیشتری کرده باشد، تأثیر انکارناپذیر آن بر اشاعه و پذیرش فرهنگ و تفکر بسیج بیشتر خواهد بود.

سومین متغیر تأثیر گذار بر متغیر وابسته، خانواده است. روانشناسان معتقدند که شخصیت هر فرد طی پنج سال اول زندگی شکل می گیرد. در واقع؛ سالهای اولیه زندگی، برای شکل گیری عزت نفس کودک بسیار حیاتی و مهم است. شخصیت اولیه هر فردی که دارای خانواده است، در این کانون و تحت تربیت والدین است، هر اندازه فرهنگ و تفکر بسیجی در درون خانواده‌ها نفوذ بیشتری داشته باشد، طبعاً پذیرش این فرهنگ توسط کودکان بهتر خواهد بود و اشاعه آن آسان تر صورت خواهد گرفت.

چهارمین متغیر مؤثر بر شیوه‌های اشاعه، مدرسه است. پس از والدین و گروه دوستان، مهم ترین عامل مؤثر در شکل گیری شخصیت دانش آموزان، محیط مدرسه و فضای حاکم بر آن است. در زمان جنگ تحمیلی مشاهده شد که مدرسه چه تأثیر چشمگیری در پیشبرد جنگ و ایجاد و تعمیق فرهنگ و تفکر بسیج داشته است؛ چه به لحاظ حضور فیزیکی، چه به لحاظ کمکهای مادی و چه به لحاظ بسط و گسترش فرهنگ و تفکر بسیج توسط معلمان، نقش مدرسه بلاشک تعیین کننده بوده است.

متغیرهای پیشنهادی نیز پس از ورود به معادله، در برخی موارد با متغیر وابسته رابطه داشته‌اند. متغیر مقطع دبیرستان با شیوه اقتداری با ضریب تبیین (۰/۰۹۹) رابطه داشته است. عضویت فعال (بسیجی) با متغیر برنامه‌های زیارتی - سیاحتی، با ضریب تبیین (۰/۱۱۰) رابطه داشته است.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

- با توجه به میانگین نمرات دانش آموزان به چهار شیوه اشاعه و برنامه‌های اجرا شده، پیشنهاد تحقیق در این خصوص «تقویت برنامه‌ها و دقت در اجرا و عوامل اجرایی» آن است. متغیرهای فرهنگ جامعه، دوستان، خانواده، مدرسه، با تمامی ابعاد شیوه‌های

اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج و برنامه‌های اجرایی بسیج برای اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج، رابطه معنادار داشته‌اند. لذا «می‌بایست در شیوه‌های اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج، به ترتیب: فرهنگ جامعه، گروه دوستان، خانواده و مدرسه را لحاظ نمود و با عنایت به تأثیر این متغیرها بر اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج، برنامه‌ریزی کرد».

- با توجه به ارزیابی میزان تأثیر ابزارهای اشاعه، برای کارا تر کردن اشاعه فرهنگ و تفکر بسیجی، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. ساخت و پخش برنامه‌های مناسب و تأثیرگذار از صدا و سیما.
۲. دقت بیشتر در به کارگیری مروجان فرهنگ و تفکر بسیج.
۳. برقراری رابطه تنگاتنگ با مربیان تربیتی مدارس. و ضمن اینکه افرادی را برای این ارتباط باید در نظر گرفت که شخصیت آنها به فضای آموزش و پرورش و فضاهای علمی - تحقیقاتی نزدیک باشد تا این افراد توسط مربیان تربیتی و دانش‌آموزان پذیرفته و درونی شوند.
۴. تلاش مروجان و نیز برنامه‌هایی که به منظور ترویج فرهنگ و تفکر بسیج برای آنها در نظر گرفته می‌شود می‌بایست مبتنی بر شیوه‌های استدلالی، همراه با ایجاد انگیزش، منطبق بر اصول اخلاقی فرهنگ جامعه و همراه با نظارت دقیق باشد.
۵. تمرکز سرمایه‌گذاری و اهمیت برای تأثیر بیشتر برنامه‌ها به ترتیب اولویت بر تلویزیون، مربیان تربیتی مدارس، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی اعم از نرم افزارهای آموزشی، تفریحی و سرگرمی و پس از آن سینما، مطبوعات، هنرمندان و رادیو.
۶. به کارگیری شیوه‌های تأثیرگذار بر خانواده‌ها. هر چه این شیوه‌ها مبتنی بر انگیزش (پرستیژ اجتماعی، رشد و پیشرفت، توانمند شدن و همچنین رشد معنویات) بیشتری باشند، نگرش آنها را نسبت به این فرهنگ مثبت‌تر خواهد کرد و این تغییر نگرش، تأثیر لازم را بر دانش‌آموزان خواهد گذاشت. در این خصوص بایستی برنامه‌ها و شیوه‌هایی را به کار گرفت که هم به معدل فرهنگ و عرف جامعه نزدیک‌تر باشد و هم به تعمیق فرهنگ و تفکر بسیج و درونی کردن آن کمک کند.



۷. متولیان امر اشاعه فرهنگ و تفکر بسیج به گونه‌ای آن را معرفی کنند که نوجوانان و جوانان، این فرهنگ و تفکر را از آن خود بدانند و احساس نکنند که این فرهنگ در انحصار گروه خاصی است. لذا بایستی در دو مرحله این فضاها را تغییر داد؛ در مرحله اول، با ایجاد فضای مناسب و جذاب و نزدیک به معدل فرهنگی - اجتماعی جامعه و در مرحله بعد، تعمیق و درونی سازی فرهنگ و تفکر بسیج.

۸. از شعارگرایی و تبلیغات حجیم و کم محتوا پرهیز کرد و برای تأثیر گذاری بیشتر، مینا را بر سادگی و تبلیغات کم حجم و پرمحتوا گذاشت. سپس با تکیه بر اصول متعالی دین اسلام و عمل خالصانه و صادقانه به آن و پرهیز از ایجاد محدودیت، با برنامه‌ای مدون و نظارتی دقیق و درست، فرهنگ و تفکر ناب بسیج و اسلام را در کشور گسترش داد.

۹. در نهایت اینکه تمامی برنامه‌ها باید بر اساس شیوه استدلالی - منطقی، همراه با ایجاد انگیزش مادی و معنوی، مبتنی بر اصول اخلاقی و فرهنگی (سادگی، صداقت و...)، به دور از استفاده از اهرمهای فشار باشد.

### منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)؛ *تئوری‌های فرهنگ در قرن بیستم*، تهران، نشر نی.
- پورایه، ژان (۱۳۷۰)؛ *تاریخ مردم شناسی*، ترجمه دکتر پرویز امینی، تهران، انتشارات خردمند.
- *تقویم اجرایی فعالیتهای بسیج دانش آموزی (۱۳۸۱)*؛ تهران، انتشارات بسیج دانش آموزی، چ سوم.
- جبی، (۱۳۸۰)؛ *بررسی شاخصهای فرهنگ و تفکر بسیج در اقصای دانش آموزی، دانشجویی، کارگری و ادارات شهر تهران*، سازمان تحقیقات خودکفایی نمسا، مرکز مطالعات ارتش بیست میلیونی.
- حق گو، نسرين (۱۳۶۴)؛ *نشریه جهاد*، سال نوزدهم، ش ۲۲۳ - ۲۲۲.
- حیدری، شهرام (۱۳۸۱)؛ *بررسی میزان گرایش دانش آموزان به تشکلهای دانش آموزی در مدارس*، تهران، مرکز سنجش افکار سازمان تحقیقات خودکفایی نمسا.

- داگلاس، آلیور (۱۳۷۳)؛ مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی، ترجمه دکتر علی برزگر، گناباد، نشر مرندیر، چ دوم.
- دومینیک، استریناتی (۱۳۸۰)؛ مقدمه‌ای بر نظریه فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران، نشر گام نو.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)؛ جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- روح الامینی، محمود (۱۳۵۷)؛ درآمدی بر انسان‌شناسی، تهران.
- روح الامینی، محمود (۱۳۶۵)؛ زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، انتشارات عطار.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۲)؛ زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم.
- ژیرار، آگوستینی (۱۳۷۲)؛ توسعه فرهنگی، تجارتي و حواشی‌ها، ترجمه عبدالمجید زرین قلم و سایرین، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۳)؛ جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، نشر اطلاعات.
- سوانسون، برتون ای و دیگران، (۱۳۸۱)؛ بهبود ترویج کشاورزی، ترجمه صالح نسب و دیگران، تهران، انتشارات خوشبین.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۷)؛ جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ پنجم.
- شومیکر، اف فلویید و سایرین (۱۳۶۹)؛ رسانش نوآوری‌ها، ترجمه ابوطالب کرمی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- علی آبادی، فرخنده (۱۳۶۷)؛ بررسی نحوه اشاعه تفکر بسیجی در دانشگاهها و نقش بسیج خواهران در آن، تهران، سازمان تحقیقات و خودکفایی نمسا.
- کازنو، ژان (۱۳۶۴)؛ قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، تهران، انتشارات سروش.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات چاپخش، چ دوم.
- گنجی، حمزه (۱۳۷۹)؛ روانشناسی کار، تهران، نشر ارسباران.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹)؛ ارتباط‌شناسی، تهران، سروش.
- معبدی، دریا (بی‌تا)؛ «روشهای ارتباطی در ترویج»، نشریه سمبله، ش ۱۱۶.

- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۶۷)؛ وسایل ارتباط جمعی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
  - وثوقی، منصور (۱۳۷۰)؛ مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات خردمند.
  - وکیلی، حمدالله (۱۳۷۶)؛ بررسی راههای گسترش تفکر بسیجی در مدارس متوسطه استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- Mccoil, **Denis & seven windhall**, 1990, seven Editions



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی